

## مبحث سرمایه:

# اجاره، مزارعه، مساقات و ...



در روند سلسله مباحث «مالکیت» از دیدگاه آیت الله بهشتی ابعاد مختلف اقتصاد اسلامی در زمینه مالکیت مرحله به مرحله بررسی شد در شماره های گذشته ضمن مطالعه بر «چگونگی مالکیت و سودی سرمایه» سرمایه به سه دسته تقسیم شد: الف - سرمایه تولیدی ب - سرمایه مستقلاتی ج - سرمایه بازرگانی، مسئله سود و تورم در اقسام سرمایه بررسی شد هم اکنون به مطالعه اشکال مختلف «گردش سرمایه مستقلاتی در جامعه» یعنی اجاره، مزارعه، مساقات، مضاربه و ..... می پردازیم.

می کند) و نه سرمایه مصرفی است (نه می شود از آن بهره برداری کرد)، بلکه صرفاً سرمایه در گردش است. سرمایه بازرگانی است، یک سرمایه عقیم است، یک سرمایه ناز است.

در حالت اول که سرمایه تولیدی بود، سرمایه واقعاً زاینده بود، واقعاً ارزشهای مصرفی جدیدی را بوجود می آورد در حالت دوم سرمایه «مولده» نبود، اما در خود در شکل یک ارزش مصرفی بود.

در حالت سوم سرمایه عقیم است نه خودش قابل مصرف است و نه زاینده ارزش مصرفی است. ما می گوئیم سود سرمایه - در حالت «الف» اجمالا مورد قبول است، در حالت «ب» اجمالا مورد قبول است، ولی در حالت «ج» بهیچ وجه توجیه اقتصادی و منطقی ندارد.

در حالت «الف» می گوئیم وقتی سرمایه به «کارزنده» اضافه می شود، بازده کار جاری بالا می رود، سهمی از این ارزش تولید شده به کار زنده تعلق می گیرد (مال کارگر است) سهمی هم مال سرمایه و ابزار تولید می باشد (در واقع سود است) این قابل قبول است.

در حالت دوم می گوئیم وقتی کسی از یک شئی مابقی بپردازد، قابل قبول است.

ولی در حالت سوم سرمایه خودش عقیم است و با حفظ خودش دیگر قابل استفاده نیست. مثل گندم است، آن را می خورند، دیگر نمی شود گندم «باشند»

گردد. یا آقای «ج» یک کلبه می سازد و در این کلبه یک جای اضافی برای مسافرهایی که می آیند از آن راه بگذرند، درست می کند، یک شب جای خود را به آنها می دهد و در مقابل از آنها کرایه می گیرد. به این ترتیب این کلبه او «سرمایه مستقلاتی» می شود. در این حالت کار مرده یعنی کلبه یا دوچرخه (مخصوصاً کلبه) به هیچ کاری جز مصرف کردن ضمیمه نشده، در حالت دوم کلبه متشاء تولید ارزش

برای ورود به بحث های معنی اقتصاد اسلامی، مروری تکمیلی بر انواع سرمایه می کنیم. کاراز جریان خارج شده (اشبه کاریا کار انباشته) که به صورت سرمایه درمی آید سه حالت دارد.

۱- سرمایه تولیدی: چرخ چوبی نخ رسی که آقای «الف» اختراع می کند و به کمک آن میزان تولیدش را می تواند بالا ببرد وقتی این چرخ (که تجسم و عنایت مقداری کار تولیدی است)، به ۸ ساعت کار جاری ضمیمه شده، به جای یک کیلو نخ، ۵۵

**\* سرمایه بازرگانی، یعنی چیزی نقش سرمایه را دارد که نه سرمایه تولیدی است نه سرمایه مصرفی، بلکه صرفاً سرمایه در گردش است سرمایه بازرگانی یک سرمایه عقیم و ناز است.**

مصرفی جدید نیست ولی خودش وسیله ای است که می توان از آن به عنوان یک «ارزش مصرفی» استفاده کرد. یعنی کلبه برای یک مصرف، برای گذراندن یک شب مورد استفاده مسافر قرار می گیرد.

حالت سومی هم وجود دارد که آن سرمایه بازرگانی است. یعنی چیزی نقش سرمایه را دارد که نه سرمایه تولیدی است (نه به افزایش تولید کمک

کیلو بازده دارد. چرخ به عنوان یک سرمایه تولیدی به متشاء ارزش افزوده شده متشاء بوجود آمدن «ارزشهای مصرفی» جدید شده است.

۲- سرمایه مستقلاتی: آقای «ب» برای رفت و آمد خودش دوچرخه می سازد. یک روز نمی خواهد جایی برود دوچرخه را به فردی کرایه می دهد این فرد مسافتی را که پیاده ده روز راه است، با کمک دوچرخه دوساعته یا سه ساعت می رود و برمی

«اجاره» قضیه به پیدایش ارزش اضافی منتهی نمی شود.

### مزارعه

مزارعه معنایش این است که وقتی «آقای الف» زمین دارد روی زمین کار می کند، نهر کسی می کند، آب را بالا زمین می آورد و زمین را برای بهره برداری زراعتی آماده می کند... اما خوش نمی تواند به زراعت ادامه دهد (مریض می شود یا سفری برایش پیش می آید) زمین را به فرد دیگری (آقای ب) واگذار می کند یعنی آن زمین و آب را به او اجاره می دهد (که می شود همان حالت اول یعنی «کرایه») و یا با او قرار می گذارد که ما حاصل کشت را به نسبتی بین خودشان تقسیم کنند. این «مزارعه» نام دارد و از نظر اقتصادی کاملاً قابل قبول است اما اینکه نرخ اجاره و یا نسبت تقسیم چه باشد، آن یک مسئله دیگر است.

نرخ باید بالا نباشد. ظالمانه نباشد ولی در اصل مسئله «مزارعه» هیچ دلیل منطقی اقتصادی که آن را نفی بکند، نیست. زیرا اگر آقای «ب» بخواهد همان مقدار کاری را که روی زمین آماده می کند، روی یک زمین غیر آماده و بی آب انجام بدهد، چقدر به او بازده خواهد داد؟ او ممکن است بتواند ۱/۲ این زمین را برای کشت آماده کرده بکار و بهره برداری کند اگر آقای «ب» روی زمینی که به وسیله آقای «الف» قبلاً کار رویش شده، آب بالایی سرش آمده و برای زراعت آماده شده است ۳۰۰۰ ساعت کار بکند، ۳۰ تن گندم بدست می آورد. حالا اگر همان ۳۰۰۰ ساعت را روی زمین غیر آماده ای که آب هم بالایی سرش نیست، کار بکند چه بسا ۱۰ تن گندم بدهد. ما

**دولت (برای مبارزه با استثمار) باید روی نرخ عادلانه در همه جا نظارت کند، و پایک مکانیسم حساب شده نرخها را پائین نگهدارد.**

برای ده روز، با صرفه ترو عادلانه تر است تا اینکه او یک ماشین بخرد و خانه بگذارد چون ده روز در سال می خواهد به مسافرت برود. این الت «کرایه» حتی از نظر عدالت اقتصادی عادلانه تر است. به شرطی که این کرایه، کرایه پایین باشد. این یک مکانیسم می خواهد. مکانیسم پایین نگه داشتن قیمتها.

مکتب ما «اجاره» و کرایه را تجویز می کند اما برای مقابله با سوء استفاده از تجویز اجاره و کرایه در یک مکتب اقتصادی و مقابله با اینکه تجویز اجاره و کرایه در یک مکتب اقتصادی به پیدایش فاصله های زیاد درآمد منتهی نشود، تجویز می خواهد:

- ۱- کمک در جهت فراوانی امکانات مسکن برای کسانی که نیاز دارند
- ۲- اتخاذ روشی برای پائین نگهداشتن قیمتها

## مسئله استثمار

و از آن استفاده دیگری بشود. در این حالت باید صرفاً بهای خود سرمایه را پرداخت، دیگر سود معنی ندارد. حالا مسائل اقتصادی اسلامی را در رابطه با این تقسیم سه گانه بررسی می کنیم:

### اجاره

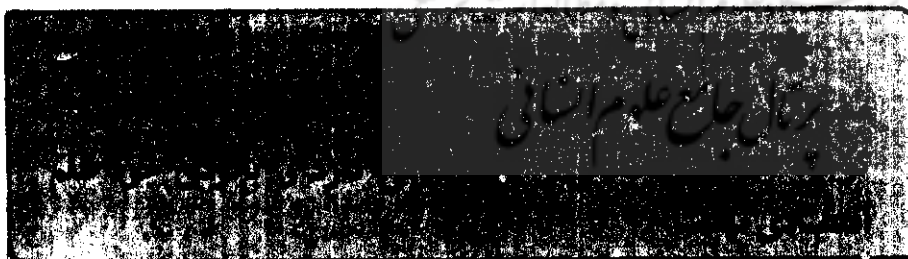
خانه ای می سازیم اجاره می دهیم یا مغازه ای می سازیم، اجاره می دهیم. ماشینی داریم کرایه می دهیم، دوجرخه ای داریم کرایه می دهیم. مسئله «اجاره اشیاء» که در فقه مطرح شده به حالت مستقلانی مربوط می شود و مستغلات هم از نظر اسلام توجیه اقتصادی منطقی و قابل قبولی دارد و بخودی خود ظلم اقتصادی نیست.

حالا در مورد «اجاره» این مسئله مطرح می شود که عامل کنترلی نباشد، آیا دومرتبه مشکل موجر و مستاجر مطرح نخواهد شد؟ و از این طریق از طرف آنهايي که دارند بر آنهايي که ندارند فشار وارد نخواهد آمد؟

### مبارزه با استثمار در امر اجاره نشینی:

در این مورد، علاج این مسئله این است که در نظام اقتصادی جامعه تنگناها را از بین ببریم. یک حرکت خانه سازی فراهم کنیم تا افراد جامعه اجاره کردن خانه کمتر احتیاج داشته باشند. یعنی شخص خودشان صاحب خانه بشوند.

علاج واقعی این است و در نتیجه، هم عموماً «مسکن» هست و هم کسانی که می خواهند بطور موقت در یک جا زندگی کنند مثلاً دوماه مأموریت می روند در تنگنا نمانند امکانات مسکن از طریق اجاره یا کرایه در اختیارشان باشد علاوه بر این دولت باید روی نرخ عادلانه در همه جا نظارت کند، و با یک مکانیسم حساب شده نرخها را پائین نگهدارد. مثلاً وقتی در طول سال به ماشین احتیاج ندارد ولی در سال چند روزی به مسافرت می خواهد برود. اگر یک ماشین کرایه کند و یک جایی باشد که این ماشین را به او کرایه بدهد، برای او وحشی برای کل جامعه از نظر اقتصادی کرایه کردن یک ماشین



به تفاوت حاصل مربوط به زمین و آب می باشد یعنی ۲۰ تن، ما نمی گوئیم وقتی آقای «ب» روی زمین آماده آقای «الف» کار می کند و ۳۰ تن گندم بدست می آورد، ۱۰ تن را خودش بردارد و ۲۰ تن دیگر را به آقای الف بدهد. این گونه تقسیم، تقسیم سرمایه داران طماع است. ولی بالاخره او هم یک سهمی دارد. اگر یک سهمی با یک نرخ عادلانه به او بدهد، برخلاف مبانی فطری اقتصادی نیست. گاهی حتی مزارعه از این هم بالاتر است. یعنی فرض کنید به این شکل است که کشاورز صاحب زمین، مراحل کشت را گذارند تا آنکه تخم جوانه بقیه در صفحه ۷۲

نکنند اینگونه نباشد که خدای ناخواسته غرق در کارهای اجرایی شوند اگر چه کارهای اجرایی که جهادگران انجام میدهند، اجر و پاداش بسیار دارد. ولی توجه به خدا و ساعتی به خدا اندیشیدن و لحظه ای در فکر او زیستن، دعا خواندن و قرآن خواندن، نماز خواندن و... آثاری دارد که آن آثار باعث پیروزی ما در جبهه ها و در پشت جبهه ها و روستا ها شده است. جهادگران عزیز این حالات را فراموش نکنند و نباید فراموش کنیم. چونکه علت پیروزی ما در همین است. درست است که اگر ساعتی را به دعا و قرآن بگذرانیم، ساعتی از کار اجرایی عقب میمانیم، ولی باید بدانیم که نشاط در کار اجرایی بدلیل همان یک ساعت عبادت و توجه به خدا و راز

و نیاز و مناجات با خداست. برادران و خواهران عزیز جهاد متوجه باشند که این حالت را از دست ندهند. توجه به خداست که باعث پیروزی ماست. یاد خداست که اطمینان را بر قلبها آورده است. یاد خداست که ما را از وحشت از دشمنان غافل کرده است. و یاد خداست که ما را به خودش نزدیک کرده است و باعث شده که از رنجها و مشقتها در راه او لذت ببریم، از گریستن برای خدا لذت ببریم، از رنج بردن و زحمت کشیدن در راه او لذت ببریم، این یاد را فراموش نکنید. که اگر ما موفق هستیم در رابطه با خداست و بس. والسلام

## اجاره، مزارعه...

زده و چیزی به برداشتن مانده است. اما ناگهان بیمار می شود یا مسافرت می خواهد برود (خلاصه گرفتار می شود) حالا به آقای «ب» می گوید از اینجا تا موقع کشت محصول مسئولیتش به عهده تو باشد. هر چه محصول بدست داده به نحوی تقسیم می کنیم. این چه اشکالی دارد بنابراین اصل مزارعه یک زیربنای منطقی دارد. حالا اینجا باز سوال پیش می آید که «مزارعه» منجر به بیدایش «بر در امدها» و «کم در امدها» در جامعه می شود؟

### مبارزه با استثمار در امر «مزارعه»

علاج اینکه مزارعه باعث استثمار نشود آسان است. علاجش این است که کاری کنیم تا هیچ زارعی بدلیل نداشتن زمین زراعتی و آب و بئر و ماشین آلات مجبور به فروش «نیروی کارش» به صاحب زمین و ماشین آلات و بئر نشود. این همان است که در قانون اساسی در «بند ۲» از اصل ۴۳ آورده ایم.

این «بند ۲» از اصل ۴۳، یک تز اقتصادی جدید طبق موازین اسلام است که من اسمش را تز فراوانی ابرار و امکانات تولید گذاشته ام. یک بند دیگرش هم تز «فراوانی امکان بهیستی» است. مسئول این فراوانی هم دولت و نظام اجتماعی است. براساس این تز در عین اینکه چنین آزادی در جامعه وجود دارد که فرد گرفتار (که صاحب زمین است)، زمین و کشتش را به فرد دیگری واگذار کند، در عین حال آقای «ب» هم می تواند جوانب امر را خوب بسنجد و حساب کند که آیا این فرار داد مزرعه واقعا به صرفه اش هست یا به صرفه اش نیست. این است که

روی اجاره مجبور نمی شود که با یک برداشت و دسترنج کم نیروی کار خودش را برای چند ماه بفروشد.

ما اجاره فروش نیروی کار به بهای ارزان را از بین می بریم و امکان این نوع تفاوت های اقتصادی را که خود بخود به طرفین مقداری آزادی زندگی می دهد، حفظ می کنیم. اقتصاد اسلامی ما اقتصادی است که دو بعد «آزادی» و «نفی استثمار» را با هم دنبال می کند.

### مساقات - آبیاری زمین

در مساقات فقط مسئله «آبیاری» زمین مطرح است. آن هم بیشتر در مورد آبیاری درخت و باغ و چیزهایی شبیه آن آقای «الف» یک باغ دارد. می خواهد به مسافرت برود. با آقای «ب» قرار داد می بندند که او باغ را آبیاری کند درختها را مراقبت کند اینجا دیگر آقای «ب» در کشت دخالتی ندارد. اما باید آبیاری، رسیدگی و مراقبت کند. آخر سال هم هر چه میوه داد با یک نسبت معقولی باید با هم تقسیم کنند. این هم شبیه همان مزارعه است (و شیوه برخوردمان هم مثل مسئله مزارعه می باشد).

مسائل مربوط به سرمایه مستغلاتی به امر «مضاربه» منتهی می شود و اینکه آیا اصولا «مضاربه» یک اصل اسلامی است یا غیر اسلامی، استثمار گرانه است یا غیر استثماری است و سرانجام شیوه برخورد ما (یا به عبارتی آیت الله بهشتی) با مسئله مضاربه چیست. این مطالب را انشاء الله در شماره آینده بررسی خواهیم کرد.

ادامه دارد.

کشاورزی رو بیاورند. برای حل این مشکل نیز باید نیروهای متخصص به منطقه اعزام و هرچه زودتر آنان را به روش های کشاورزی، دفع آفات و طرق آبیاری آشنا سازند.

کمبود آب نیز از دیگر مشکلات مهم است. با وجود رودخانه های پرآبی که در منطقه جریان دارد، و با هرز رفتن آب این رودخانه ها زمین های منطقه چاه بهار همچنان تشنه هستند. مهار کردن آب رودخانه ها و سیلابهای که معمولا بعد از ریزش هرباران براه می افتد می تواند، نقش بسیار مهمی در کشاورزی منطقه داشته و علاوه بر این از خوابهای سیلابها جلوگیری شود. عدم وجود راه نیز از بزرگترین مسائل منطقه که راه رسیدن ماشین آلات کشاورزی بخصوص موتور پمپ، خودروهای سبک و سنگین و دیگر تجهیزات را ناهموار می کند. دامپروری در این منطقه رواج دارد اما بعلت عدم وجود دامپزشکی دامها اکثرا آغز، ضعیف و مریض هستند و بسیاری از دامها که گاه تنها سرمایه روستائیان است. در اثر بیماریهای گوناگون تلف می شوند. مهمترین عاملی که قادر است کشاورزی و در نتیجه دامپروری را در این منطقه احیا کند، اجرای سریع لایحه واگذاری ارضی می باشد. دادن زمین و آب و بدنبال حمایت همه جانبه از نظر وسایل و امکانات کشاورزی می تواند زندگی نوینی را به مردم محروم منطقه ببخشد و علاوه بر افزایش تولیدات کشاورزی و بالا رفتن سطح زندگیها، قاجاق را که از مهمترین ابتلائات این مردم است به کشاورزی شکوفا مبدل سازد.

## جهاد سازندگی بازسازی...

ولایت امر است. برای ما که مثل روز روشن است، در طول حرکت انقلاب و سپس بعد از پیروزی آن، نقش این معیار چه بوده است، چرا از آن دست برداریم و یا اینکه از آن تبلیغ نکنیم؟

بنابراین اگر برای ما، با انهمه تجربیات مکرری که در طول انقلاب اسلامی اتفاق افتاده، این نکته محرز شد، بایستی بیشتر فکر بکنیم و از اختلافات و تفرقه هایی که در میان مسلمانان و امت شهیدپرور ما آگاهانه و یا ناآگاهانه انداخته می شود، جلوگیری کنیم و با تبعیت از ولایت قیبه و ولایت امر در عمل، به این مهم جامه عمل ببوشانیم.

والسلام